



ظریف به گوترش نامه نوشت

چرا تعلیق حق رأی ایران در سازمان ملل اجرائی نمی‌شود

کروه دیپلماسی: نامه دبیرکل سازمان ملل متحد درباره حق رأی ایران در مجمع عمومی سازمان ملل متحد چند روزی است که در رسانه‌های رسمی و اجتماعی مطرح می‌شود؛ اما آن‌طور که از شواهد برمی‌آید، این مسئله احتمالا به مرحله اجرائی...

صفحه ۴

پنجشنبه ۲۰ خرداد ۱۴۰۰ • ۲۹ شوال ۱۴۴۲ • ۱۰ ژوئن ۲۰۲۱

ویژه شهر و شورا



تهران بدون انحراف

با آثار و گفتاری از: محمد سالاری، عباس آخوندی
عباس عیدی، محمد بهشتی، کمال اطهاری
محمدرضا شریف‌زادگان، زهرا نژاد بهرام
علی نوذریور، عبدالرضا کلیپاکانی
کاوه حاجی‌علی‌اکبری و حامد مظاهریان

تبرها

«مجلس پابرهنه‌ها» قبایی گشاد بر تن بهارستانی‌ها

صفحه ۲

از کیمیا تا دینا؛ ۵ پناهنده ایرانی در المپیک توکیو

صفحه ۱۱

حرف اول

آب نایاب است!

فریدون مجلسی



این روزها که همه سرگرم مجادلات انتخاباتی هستند، گویا کسی به فکر آب نیست! درحالی‌که باران نیامده و آب نیست! دولت گرفتار کرونا و تأخیر در تحویل واکسن هم انکار روزشماری می‌کند که این بار گران را زودتر زمین بگذارد و به مدعیان بعدی بسپارد و خلاص. مدتی است دولت در نقش پسر خان، کیسه بوکسی شده است برای تخلیه فشارهای گوناگونی که از کرونا تا تورم به مردم وارد می‌شود. گویند از خان خطایی سر زده و برای پایمال‌کردنش یک پس‌گردنی به پسرش زد که یعنی کار او بود. برادر خان مرتکب شد، او هم یک پس‌گردنی به هم‌یک پس‌گردنی به پسر خان زد. این‌بار به خان برخورد و گفت پسر مرا می‌زنی؟ نوکر بینوا گفت قربانت کردم، دیدم در اینجا هر کس خطا می‌کند یک پس‌گردنی به پسر جناب خان می‌زند، فکر کردم رسم است خواستم سنت‌شکنی نکرده باشم. باری از اخبار از کم‌آبی می‌گویند. خبری از کشت و صنعت هفت‌تپه حکایت از ترسیدن آب و خشک شدن مزارع نیشکر داشت، با این ادعا که مدیران خلع مالکیت شده با استفاده از نفوذ خود مانع آب‌رسانی شده‌اند! که مستلزم توضیح مقامات است. اخباری از اصفهان حکایت از اعتراض به ترسیدن آب به مزارع دارد که خط آب‌رسانی سهمی از یزد را بریدن از سهمیه خودشان انگاشته‌اند. توجه ندارند که خودشان نیز از دو خط کوهرنگ به هزینه ملت ایران بخشی از آب سرچشمه کارون را دریافت می‌کنند! وقتی جمعیت افزایش می‌یابد، مصرف آب هم افزایش می‌یابد. وقتی توسعه اجتماعی و مدنی انجام می‌شود، باز هم مصرف آب بیش از افزایش جمعیت افزایش می‌یابد. وقتی توسعه صنعتی صورت می‌گیرد باز هم مصرف آب افزایش می‌یابد. اما از کجا باید تأمین شود؟ به جای موعظه به مردم که صرفه‌جویی کنید دولت باید نقش خودش را در تولید آب و جمع‌آوری فاضلاب و تصفیه و بازآفات آن توسعه دهد. در اخبار دیدیم که خطوط طولانی آب شیرین‌شده در سواحل خلیج‌فارس را به مراکزی در یزد و کرمان منتقل کرده‌اند. صنعت و اشتغال مردم را که نمی‌توان تعطیل گذاشت. البته شیرین‌سازی و انتقال آب در چنان مسافتاتی با چنان ارتعاعی پرهزینه است، اما به‌رحال کار اصلی انجام شده است و بر دولت است که بر ظرفیت شیرین‌سازی آب بازم و بازم بیفزاید یعنی چاره دیگری نیست.

ادامه در صفحه ۹

یادداشت

دانی که چنگ و عود چه تقریر می‌کنند



محمدجواد فریبرزاده

با علی از نخستین سال‌های انقلاب دوست بودم. به خاطر دارم روزی برای انتخاب رشته درسی در دانشگاه به خانه ما در اکباتان آمد و من با توجه به علائق او پیشنهاد کردم روان‌شناسی بخواند که خواند. علی کار خود را دوست می‌داشت و هر روز برای ازدیاد دانش و تجربه خود کوشش می‌کرد. به نسبت بسیاری از دوستان دیگر می‌توان او را مردی «غیرسیاسی» توصیف کرد؛ می‌دانم که این تعبیر خطرناک است و ممکن است بد فهمیده شده و موجب وهن مقام او در مقابل چشم دوستان و خویشان او شود. این تعبیر را باید درست فهمید؛ انسان غیرسیاسی کسی نیست که سیاست نمی‌داند، کسی نیست که سیاست نمی‌فهمد، کسی نیست که از اهمیت سیاست در زندگی فردی، اجتماعی و فرهنگی جامعه غفلت می‌کند، منظور من در اینجا مشخصا این است که او کسی بود که دل در گرو حوادث سیاسی نداشت. قلب او خانه سیاست نبود، سیاست در آن خانه مستاجر بود نه مالک؛ ملاک او خدمت به کاری بود که دوست داشت؛ هر کسی او را کمک می‌کرد، دست رد به سینه او نمی‌زد. ذاتا و جوهر او در گرو حب و بغض سیاسی نداشت. استمرار در کار موسیقی از او کسی ساخته بود که ارتعاشات عصبی، روانی، روحی و نفسانی او موزون و متقارن بود با ایقاعات و افت و خیزهای آهنگ برآمده از دستگاه‌های موسیقی. مخصوصا موسیقی ایرانی را به خوبی می‌شناخت و با تمام توان کوشش کرد تا موزه موسیقی را بسازد. او که خود از «قبیله عالمان دین» بود و با علمای دینی حشر و نشر داشت، به هیچ وجه تعارض و تراحمی میان آنچه از علوم دینی خوانده بود و می‌دانست و آنچه از عالم موسیقی دریافت بود، نمی‌دید؛ نه‌تنها تعارضی نمی‌دید بلکه آنها را مکمل یکدیگر می‌دانست و فهم این نکته مستلزم انس با معارف دینی و همچنین انس با عالم موسیقی است وگرنه این سخن به سادگی برای هر کس فهمیدنی نیست. علی ما به‌خوبی دستگاه‌های موسیقی به‌ویژه دستگاه‌های موسیقی ایرانی را می‌شناخت. او هم علت مبیه موزه موسیقی بود و هم علت موجه آن. علی به لوازم موسیقی نیز ملتمز بود.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

نقدی بر اقتصاد دولتی ایران



مهدی قدیمی*

نزدیک به ۱۴۵ سال پیش در سال ۱۸۷۵ میلادی، ژاپنی‌ها به این نتیجه رسیدند که توسعه‌یافتگی تنها در گسترش بخش خصوصی و یک اقتصاد رقابتی حاصل می‌شود و این را روی کاغذ نوشته و هنوز هم در حال اجرای آن هستند؛ درحالی‌که ما از انقلاب مشروطه تا امروز در حال برگزاری سمینار و همایش هستیم تا مشخص کنیم که توسعه‌یافتگی خوب است یا بد؟ درواقع بسیاری از اموری که در جهان امروز یک پاسخ روشن و بدیهی دارد، در ایران هنوز مورد ابهام و سؤال است و پاسخ روشنی ندارد. چون با جهان ارتباط نداریم، در نتیجه نمی‌توانیم از دیگر کشورها بیاموزیم. «اگر قرار باشد فردی را چند سال به کلاس ببرند و به‌صورت تئوری با او درباره شنا صحبت کنند، اگر به استخر شنا نرود، هرگز نمی‌تواند شنا یاد بگیرد (دکتر محمود سریع‌القلم)». اقتصاد ایران با قرارداد «ویلیام داری» در سال ۱۲۸۰ که با ناصرالدین‌شاه برای کشف و استخراج نفت منعقد شد، وارد یک فاز جدید شد. در سال ۱۲۸۷ اولین نفت در شهر مسجد سلیمان کشف شد و بخشی از درآمد آن در اختیار دولت قرار گرفت، در نتیجه از ابتدای نداشت. استمرار در کار موسیقی از او کسی ساخته بود که ارتعاشات عصبی، روانی، روحی و نفسانی او موزون و متقارن بود با ایقاعات و افت و خیزهای آهنگ برآمده از دستگاه‌های موسیقی. مخصوصا موسیقی ایرانی را به خوبی می‌شناخت و با تمام توان کوشش کرد تا موزه موسیقی را بسازد. او که خود از «قبیله عالمان دین» بود و با علمای دینی حشر و نشر داشت، به هیچ وجه تعارض و تراحمی میان آنچه از علوم دینی خوانده بود و می‌دانست و آنچه از عالم موسیقی دریافت بود، نمی‌دید؛ نه‌تنها تعارضی نمی‌دید بلکه آنها را مکمل یکدیگر می‌دانست و فهم این نکته مستلزم انس با معارف دینی و همچنین انس با عالم موسیقی است وگرنه این سخن به سادگی برای هر کس فهمیدنی نیست. علی ما به‌خوبی دستگاه‌های موسیقی به‌ویژه دستگاه‌های موسیقی ایرانی را می‌شناخت. او هم علت مبیه موزه موسیقی بود و هم علت موجه آن. علی به لوازم موسیقی نیز ملتمز بود.

ادامه در صفحه ۴

جناب آقای دکتر خویی

درگذشت همسر گرامیتان

سرکار خانم دکتر گیتی زرگر

را به شما و خانواده محترمان تسلیت عرض

کرده و طلب مبر برای شما و خانواده محترم

را از ایزدمنان خواستاریم.

امیر مظاهری و خانواده



مهدی افشار
پژوهشگر

پس از کشته‌شدن فرود فرزند سیاوش، سپاه ایران به فرماندهی توس، پشیمان از این خونریزی نابخردانه، فروافکنده سر به ایران بازگشت و با میانجیگری رستم، توس مورد بخشایش قرار گرفت و دیگر بار برای گرفتن کین خون سیاوش با در اختیارداشتن درفش کاویانی روانه توران‌زمین شد و در کناره رود شهد رده برگشید. از دیگر سوی پیران ویسه را آگاه گردانند که سپاه ایران به انتقام خون سیاوش روانه شده و زود است که وارد توران‌زمین گشته، جهان را بر افراسیاب و سپاه او تیره و تار گردانند. پیران با آگاهی از این رده برگشیدن سپاه، سخت هراسناک شده، با سپاه اندکی که در اختیار داشت خود را به رود شهد رساند و در دیگر کناره رود به امید بازگردانیدن سپاه ایران بر جای ماند و برای توس پیام فرستاد: «من-خود از باران سیاوش بوده‌ام و همچنان اندوه مرگ سیاوش دمی مرا رها نکرده است و خسرو، شهیرای ایران نیک‌تر می‌داند که من در پروردن یاری‌دادن به او و مادرش، فرنگیس از هیچ کوششی بازناستادم و اگر امروز خسرو بر اورنگ شهرداری ایران تکیه زده از دل‌بستگی من نسبت به سیاوش و بانوی او بوده است و امید آن دارم در پاسداشت این دوستی، دو قوم ایرانی و تورانی، به مهر در کنار یک‌دیگر زندگی کنند». توس با دریافت این پیام، فرستاده چرب‌زبان پیران را پاسخ گفت که نیک می‌داند پیران دوستار سیاوش بوده است و خسرو، شهیرای ایران یاد آورده شده که با پیران به مهر

یادداشت

داستان کاموس‌کشانی^(۱)

به آن سوی شهد کشاند و نبردی خونین درگرفت، دو سپاه آن‌چنان بر یکدیگر تاختند که از جاری‌شدن خون، زمین گویی چون میستان شده بود و از انبوهی نیزه‌ها، آسمان چون نیستان. چه بسیار سرها که به کمند کشیده شد و چه بسیار تن‌های ارجمند که خوار گشته، بر زمین افتاده، زیر سم ستوران پیشان گردید. پس از نبرد خونین آغازین، دو سپاه پای پس کشیدند تا لختی بیاسایند و در این میان، پهلوانی به نام ارزنگ که آوازه پهلوانی‌اش به ابرها رسیده بود به این سوی رود تاخته، در برابر سپاه ایران به پیش و پس اسب دواند و پهلوانان ایرانی را به مبارزه فراخواند. توس چون ارزنگ را دید، اسب خویش را به سویش دوآند، از او پرسید نامش چیست که این چنین یکه تازی می‌کند و ارزنگ پاسخ داد: «من، ارزنگ نبردجوی هستم، مرد جنگ و پیکار، پهلوانی که شیر در برابر تاب ایستادن نمی‌آورد، آمده‌ام تا خاک را به خون تو رنگین کنم». توس چون این بشنید، بی‌درنگ شمشیری را که در دست داشت بر کلاهخود او فرود آورد و آن‌چنان زخمی بر او زد که سر در شانه‌هایش فرورفت و گویی هرگز تاکنون از شانه‌هایش سر برنخاسته بود. با این زخم از سوی سپاه ایران، آوای بوق و کوس و هلهله رود شتاب گیرد تا کستره جهان را بر توس تنگ گرداند. پیران آنان را بازداشت با این اندیشه که اگر پهلوانی از سوی ایران آید، در برابر او نبرده سواری را روانه کنند و اگر آرامش برقرار نشد، روزی دیگر بیاسایند و سپس به انبوه بر سپاه ایران بتازند.

ادامه در صفحه ۴

محمود واعظی:

هدف در مناظرات زدن دولت است

کروه سیاست: رئیس دفتر رئیس‌جمهوری در حاشیه جلسه هیئت دولت در جمع خبرنگاران درباره مطالب مطرح‌شده توسط برخی از کاندیداهای انتخابات ریاست‌جمهوری در مناظره تلویزیونی گفت: متاسفم از اینکه در این مناظره گویا هدف...

صفحه ۵

سال هجدهم • شماره ۴۰۲۲ • ۱۲ صفحه+۵۲ صفحه ویژه نامه • ۷۰۰۰ تومان

سرمقاله

راه روحانی

سیدمصطفی هاشمی‌طبا



مجادلات و بیانات هفت نفر از نامزدهای ریاست‌جمهوری در روزهای گذشته شامل اتهام‌زنی به دیگران و جملات بعضا خوب و جذاب، اما بدون پشتوانه و اساس بوده است. در حقیقت تمام نامزدها، در یک فضای غیرمشخص و بدون در نظر گرفتن مشخصات و مختصات امروز جمهوری اسلامی ایران، سعی در ارائه یک شهر ویرانه در حال حاضر و یک مدینه فاضله در صورت کسب مقام ریاست‌جمهوری داشتند و شایان تأسف اینکه این مدینه فاضله بسیار تک‌بعدی و انتزاعی بود. یکی از احداث یک میلیون خانه خبر می‌داد و دیگری یک میلیون خانه بازسازی‌شده را بر آن می‌افزود. یکی از بارانه ۴۵۰ هزار تومانی می‌گفت و دیگری آن را به ۶۰۰ هزار تومان ارتقا می‌داد و همگی از دولت و شهر هوشمند و عدالت و رفع فساد و رانت سخن می‌گفتند؛ سخنانی که تنها خاصیت آن، ردیف‌کردن کلمات خوشایند است و معلوم می‌کند که آنان یا شرایط بین‌المللی کشور را نمی‌شناسند یا خود را به راه دیگر می‌زنند. از همه بدتر آنکه به‌جای ارائه برنامه اجرایی در فضای واقعی کشور و نقد سخنان رقیبان، به اتهام‌زنی پرداختند. در واقع اگر کسی نامزد ریاست‌جمهوری است، باید قانون اساسی و در نتیجه نظر شورای نگهبان را قبول کند. وقتی فردی را شورای نگهبان به‌عنوان نامزد پذیرفته است، تشکیک درباره شخصیت او، آن‌هم در ملا عام، ناپسند و نادرست است. متأسفانه از زمان انتخابات دوره دهم این رسم سینه از سوی آقای احمدی‌نژاد باب شد و به‌جای برخورد متأسفانه مورد تشویق قرار گرفت و در انتخابات یازدهم و دوازدهم این امر تکرار شد و اینک هم این کار باب شده است.

ادامه در صفحه ۲

عکس: پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری



نشنه‌ها

پُلی از ترس به امید

درباره اصغر کورنگی رئیس‌نزدان قصر که به «مسیح قصر» مشهور بود

رکاب بز، زن!

سیمان ری؛ میراث‌بندبروازی مهندس‌الدوله

به مناسبت سالروز تولد ارستوچه گورا

در فرهنگ‌جی زامروز توران میرهادی

بازخوانی مرگ یک چریک در بولیوی

«توران» برای من ایران است

شماره ۷ - شنبه ۲۳ خرداد ۱۴۰۰